

## ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی

محمد درگاهزاده\*

علی نعمتی\*\*

اکبر ساجدی\*\*\*

### چکیده

در این پژوهش با توجه به مستندات حمایت از حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی و نیز موارد مجاز ورود به آن، مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی، استنباط و طراحی شده است؛ این مدل در بردارنده هفت مولفه است که عبارتند از: ۱. پاسداشت حق حریم خصوصی و خلوت افراد به‌عنوان یک ارزش، ۲. تأکید بر پاسداشت حریم خصوصی به‌عنوان اصل اولیه و استثناء بودن موارد نقض، ۳. بر شمردن موارد مجاز ورود به حریم خصوصی بصورت شفاف و محدود، ۴. تأکید بر عنصر مصلحت در موارد ورود به حریم خصوصی، ۵. بی طرف نبودن و حمایت از ارزش‌های اسلامی در حوزه خصوصی با تأکید بر انگیزه درونی، ۶. الزام به خصوصی نگه داشتن خلوت و حریم خصوصی توسط خود فرد، ۷. اعلام حمایت از نظام ارزشی، با الزام قانونی حداقلی در حوزه خصوصی. این پژوهش در استنباط دیدگاه و مدل اخلاقی اسلام، از روش اجتهادی و در تحلیل آن از روش عقلی و تحلیلی بهره برده است.

### واژگان کلیدی

مدل، حریم خصوصی، ورود، مدل اخلاقی، مصلحت، الزام اخلاقی.

m.dargahi96@bonabu.ac.ir

nemati.ali734@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۵

\*. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه بناب.

\*\* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

\*\*\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۸

## طرح مسئله

در آموزه‌های اسلامی توجه جدی به حق حریم خصوصی انسان‌ها شده است؛ هرچند این توجه، تحت عناوین دیگری مطرح می‌شود. همچنین در برخی موارد، ورود به حریم خصوصی افراد، بنابر ضرورت‌های دینی و اجتماعی، مجاز می‌باشد. در این پژوهش با هدف ارائه مدل اخلاقی اسلامی در ورود به حریم خصوصی، به دنبال این پرسش اصلی هستیم که دیدگاه اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟ به بیان دیگر، این پژوهش به دنبال تبیین مؤلفه‌های مفهومی در ورود به حریم خصوصی و نسبت میان این مؤلفه‌ها و جهت‌گیری کلی آنهاست. در تمامی مکاتب فکری، مسئله پاسداشت حریم خصوصی و عدم نقض آن از سوی افراد دیگر به ویژه حاکمیت، همچنین موارد مجاز و قابل توجه ورود، معیار تشخیص این موارد، اصول حاکم بر آن، و اهداف و غایات آن، از مسائل حایز اهمیت می‌باشد و مبتنی بر این مکاتب فکری، نظام‌های حقوقی و اخلاقی متعددی شکل گرفته‌اند که هر کدام براساس مبانی فکری خود به دنبال تبیین این مسائل هستند؛ این پژوهش به دنبال ارائه مدلی است که بر اساس مبانی اسلامی، با تبیین جایگاه حق حریم خصوصی و خلوت به‌عنوان یک ارزش، نسبت میان این حق با سایر ارزش‌ها را ترسیم نموده و اصولی را که از منابع اسلامی در پاسداشت از این حق و همچنین موارد مجاز ورود به آن استنباط می‌شود را به‌صورت عینی تبیین نماید. ترسیم این الگو به مخاطب این امکان را می‌دهد که در ابتدا، با راهبرد اسلام برای پاسداشت حق حریم خصوصی و نسبت این حق با ارزش‌های انسانی و الهی آشنا شده و سپس، به‌صرف برشمردن موارد مجاز ورود به حریم خصوصی بسنده نکند، بلکه با توجه به مبانی پارادایمی اسلام، مختصات ورود به حریم خصوصی و به‌تبع آن مختصات پاسداشت و حرمت آن را به‌صورت عینی تبیین کند و با داشتن یک نقشه راه جامع و عینی، مرز میان این هر دو عنصر را پاس داشته و به هم نیامیزد.

بر این اساس و با توجه به پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی دیگری نیز به شرح ذیل مطرح است:

۱. مستندات اسلامی که حق حریم خصوصی از آنها استنباط می‌گردند، کدامند؟
۲. براساس آموزه‌های اخلاقی اسلام، در چه مواردی ورود به حریم خصوصی مجاز اعلام شد است؟
۳. در مواردی که نسبت به ورود به حریم خصوصی افراد تردید داریم، به لحاظ اخلاقی چه باید کرد؟
۴. معیار و شاخص ورود مجاز به حریم خصوصی دیگران چیست؟

مروری بر پژوهش‌های انجام یافته در زمینه حریم خصوصی در کشورمان، از پیشینه ضعیفی در پاسخ به سؤال اصلی این تحقیق حکایت دارد؛ نخستین کتابی که به ارائه مستندات اسلامی در حمایت از حریم خصوصی پرداخته، کتاب حقوق حریم خصوصی تألیف باقر انصاری است. فصل چهارم این کتاب به

گزارش مستندات از آموزه‌های اسلامی در حمایت از حق حریم خصوصی پرداخته است، منتها تحلیل و بررسی خاصی به چشم نمی‌خورد؛ دومین کتابی که به بررسی مستندات اسلامی در حمایت از حریم خصوصی و همچنین موارد مجاز ورود به آن پرداخته، کتاب *حریم خصوصی اطلاعات* تألیف فرید محسنی است. نویسنده در فصل دوم این کتاب با بیان مختصر دیدگاه‌های دین جدا در زمینه حمایت از حریم خصوصی، به تبیین دیدگاه فقه امامیه و مستندات آن در زمینه حمایت از حریم خصوصی و بیان موارد مجاز پرداخته است. فصل سوم این کتاب به حمایت کیفری و مداخله دولت در حریم خصوصی از دیدگاه فقه امامیه پرداخته و اصول مستنبط از نظام حقوقی اسلام در حمایت کیفری از حوزه خصوصی را بیان نموده است.<sup>۱</sup>

کتاب چهارمی که به صورت مفصل‌تر به تبیین مستندات فقهی در حمایت از حریم خصوصی و قلمرو حقوق و تکالیف شهروندان و همچنین دولت در ورود به حریم خصوصی پرداخته است، کتاب *مبانی حریم خصوصی* تألیف محمد سروش می‌باشد.

در عرصه مقالات پژوهشی نیز می‌توان به مقاله «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران» نوشته باقر انصاری؛ «حریم خصوصی در فقه امامیه»، نوشته مریم ابن‌تراب؛ «گستره دخالت حکومت و حق حاکمیت از منظر قرآن و نهج‌البلاغه»، نوشته محمد هادی مفتاح؛ «حریم خصوصی فیزیکی افراد در آیین فقه امامیه و حقوق ایران»، نوشته سجاد شهباز قهفرخی؛ «صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی»، نوشته فهیمه سید سعادت؛ «حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی»، نوشته علی غلامی؛ «بررسی حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام»، نوشته سعید صحت و مسعود عسگری؛ «حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت براساس مصلحت تحکیم خانواده»، نوشته کبری عبدالله‌پور؛ «حریم خصوصی معنوی افراد در فقه امامیه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی»، نوشته سجاد شهباز قهفرخی، اشاره نمود.

مروری کوتاه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پرسش اصلی مطرح شده در پژوهش حاضر، در هیچ‌کدام از آنها مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بر این اساس، پژوهش حاضر در نوع خود بدیع است. در این پژوهش به‌منظور طراحی الگوی اخلاقی اسلام، ابتدا مستندات حمایت از حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی و نیز موارد مجاز ورود به آن، مورد بررسی قرار گرفته و سپس به ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی پرداخته شده است:

---

۱. لازم به ذکر است؛ نویسنده در این فصل از کتابش به‌شدت متأثر از کتاب *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی* تألیف رحیم نوبهار (۱۳۸۷) است.

## الف) مستندات حمایت از مصادیق حریم خصوصی

برخی از مستندات حمایت از مصادیق حریم خصوصی در ادامه ارائه شده است:

### ۱. حمایت از حریم اموال و شئون زندگانی

سلطه انسان بر خویش به‌عنوان یک قاعده در فقه اسلامی مورد پذیرش است. و از آن به‌عنوان «الناس مسلطون علی انفسهم» یاد می‌کنند، یعنی هریک از مردم اختیار خود را دارند. این یک قاعده عقلایی است که هیچ معنی از سوی شارع نسبت بدان نرسیده، بنابراین مورد پذیرش شرع هم قرار گرفته است. (همدانی، ۱۴۲۰: ۴۸۳؛ شیرازی، بی‌تا: ۱ / ۶۲؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۱۳ / ۳۸۴) فقها در بحث ولایت و حاکمیت فقها به اقتضای همین قاعده، ولایت دیگران را خلاف اصل تلقی نموده‌اند، زیرا هر کس بر شئون زندگی خود تسلط دارد و در زندگی دیگران نمی‌توان دخالت نمود. (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲: ۲ / ۲۴۹)

در فقه اسلامی براساس این قاعده و همچنین قاعده: «الناس مسلطون علی اموالهم» که مفاد آن سلطه انسان بر اموال خویش است، هر کس نسبت به امور مربوط به خود و اموالش از اختیار و آزادی برخوردار بوده و نمی‌توان در دایره مباحات شرعی، نسبت به شئون هیچ‌کس دخالت نمود.

### ۲. حمایت از حریم منزل و خلوت افراد

آیات متعددی از قرآن<sup>۱</sup> بر حمایت از حریم منزل و خلوت افراد تأکید نموده است؛ مفسرین براساس این آیات، ورود به حریم منزل و خلوت را بدون اذن گرفتن، ممنوع دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۵۳؛ طبرسی، ۱۳۹۹: ۷ / ۱۳۹)

از برخی روایات نیز ممنوعیت ورود به حریم منزل افراد استفاده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به حکم پیامبر ﷺ به کندن درخت سمره بن جندب که در خانه مرد انصاری بود (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۲۹) و همچنین به سرک کشیدن خلیفه دوم به‌منظور بررسی صدای لَهو و لعبی که از یک خانه به گوش می‌رسید (ری شهری، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۹۱) اشاره نمود.

### ۳. حمایت از حریم جسمانی افراد

به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

#### یک. ممنوعیت حبس و شکنجه افراد

حبس و شکنجه افراد در آموزه‌های اسلامی، غیر از این‌که مشمول ادله حرمت ظلم و عدم سلطه و ولایت

۱. نور (۱۰۳): ۲۷، ۲۸، ۵۸ و ۵۹.

دیگران می‌باشد، در روایات متعددی نیز مذمت شده است از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

امام صادق علیه السلام در بیان شریفی می‌فرماید:

سرکش‌ترین مردم بر خدا کسی است که به کشتن کسی که قاتل او نیست اقدام کند و

کسی را که او را زنده است، بزند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۲۷۴)

همچنین از ایشان نقل شده است که:

مبغوض‌ترین مردم نزد خدا کسی است که پشت مسلمانی را (برای زدن) بی جهت

برهنه سازد. (همان)

البته فقهای مسلمان (طوسی، بی‌تا: ۷۴۴) در مورد متهم به قتل، بازداشت موقت را مجاز دانسته و به

روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله استناد نموده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اتهام به قتل، متهم را تا شش روز بازداشت می‌کرد؛ پس اگر اولیای

مقتول دلیلی بر اثبات اتهام اقامه می‌کردند (بر اساس آن دلیل حکم می‌کردند) و در

غیر این صورت، او را آزاد می‌کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۳۷۰)

## دو. حق پوشیده ماندن برای بانوان مسلمان

از دیدگاه اسلام هر بانوی مسلمان موظف به پوشیده نگاشتن بدن خود (غیر از مقدار استثناء شده) از

مردان بیگانه می‌باشد؛ بنابراین یکی از حقوق طبیعی بانوان در جامعه اسلامی این است که نظام اخلاقی

جامعه به حمایت از این وظیفه سنگین ایشان برآید؛ در آموزه‌های اسلامی به منظور حمایت از این حق بانوان،

دستوراتی به مردان مسلمان صادر شده است؛ ملاحظه ادله و روایات باب نظر و نگاه، روشن می‌کند که حرمت

نگاه متوقف بر نگاه جنسی و شهوانی نیست، در برخی روایات، جدا از مسائل جنسی، جواز و عدم جواز نگاه به

دیگری، به مسئله حرمت و حیثیت افراد منوط شده است. (موسوی خویی، بی‌تا: ۱ / ۴۶ - ۳۴)

## سه. حمایت از حریم جسمانی زوجه در برابر حق تمکین زوج

براساس آموزه‌های اسلامی، زوجه موظف به تمکین در برابر زوج است؛ به طوری که نیازهای جنسی زوج

را برآورد مگر در مواردی که به عنوان عذر در متون فقهی از تمکین معاف است. (نجفی، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۰۷)

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اگر زوجه آمادگی برای تمکین نداشته باشد،<sup>۱</sup> آیا الزام زوجه بر

۱. البته در صورتی که این عذر از عذرهایی که در متون فقهی برای معذوریت از تمکین موجه دانسته شده است مثل بیماری زوجه و... نباشد.

تمکین، نقض حریم خصوصی جسمانی او محسوب نمی‌شود؟  
در پاسخ باید گفت: در آموزه‌های اسلامی با برخی توصیه‌های اخلاقی به شوهران، بر آداب آمیزش جنسی و آمادگی زوجه برای آمیزش تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۱۱۷) با توجه به چنین معیارهای اخلاقی، از فحواى این روایات بر می‌آید که رضایت باطنی زوجه و آمادگی وی برای آمیزش، شرط اخلاقی برای تمکین است.

#### ۴. حمایت از حریم اطلاعات خصوصی

آیات و روایات بسیاری در زمینه حمایت از حریم اطلاعات خصوصی وجود دارد که اهمیت این حریم را نشان می‌دهند:

#### یک. ممنوعیت تحمیل عقاید

در قرآن تحمیل عقیده منع شده است: «اجباری در دین نیست، راه هدایت از گمراهی آشکار شده است.» (بقره / ۲۵۶)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

بشر در زندگی دارای حق انتخاب است و این از بزرگ‌ترین حقوق انسان می‌باشد. جمله «لا اکراه فی الدین» نیز به همین مطلب اشاره دارد. یکی از تلاش‌های پیامبران نیز کوشش برای تحقق این حق در جوامع انسانی است. اصولاً بر اساس حق انتخاب است که تکلیف و ثواب و عقاب معنا پیدا می‌کند. اما نکته مهم این است که این حق انتخاب الزاماً به معنای صحت انتخاب نیست؛ بلکه انتخاب شخص ممکن است صحیح یا ناصحیح باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۵۲۴)

روایات متعددی نیز بر ممنوعیت تحمیل عقیده در منابع زیر قابل مشاهده است: کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۱۲۶.

#### دو. ممنوعیت تجسس و تفتیش

آیات قرآن به شدت تجسس از اطلاعات شخصی دیگران را منع می‌کند و در این زمینه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید...» (حجرات / ۱۲)

روایات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد، از جمله اینکه، حضرت علی علیه السلام در حکم انتصاب مالک اشتر به استانداری مصر می‌فرماید:

ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی □ ۶۷

باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیب مردمان است، همانا در مردم لغزش‌هایی است که حاکم از هر کس دیگر به پوشانیدن آن سزاوارتر است. پس در جستجوی امور پنهانی مباش... (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

ممنوعیت تجسس، شامل ممنوعیت تفتیش از عقاید دیگران نیز می‌گردد؛ در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «از دین مردم تفتیش مکن که در این صورت بدون دوست می‌مانی». (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۹۲)

اما در برخی موارد این حکم استثنا شده است؛ به‌عنوان نمونه؛ علی بن الحسین علیه السلام به‌منظور بررسی خارجی بودن همسر شیبانی خود، در گوشه‌ای از منزل پنهان شد و وقتی خارجی بودن همسرش، محرز گردید، او را طلاق داد، درحالی‌که بسیار مورد علاقه وی بود. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴ / ۴۲۵)

### سه. ممنوعیت سوءظن نسبت به دیگران

در آیات قرآن از سوءظن نسبت به دیگران پرهیز داده شده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری سوءظن بپرهیزید زیرا که برخی از سوءظن‌ها گناه می‌باشد... (حجرات / ۱۲)

آیا نمی‌بایست شما مؤمنان مرد و زن، هنگامی که چنین نسبت و بهتان دروغی را درباره خودتان شنیدید، حسن‌ظن‌تان درباره یکدیگر بیشتر می‌شد؟ (نور / ۱۲)

در روایات متعددی نیز از سوءظن منع شده است: مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۲۰۰؛ ری شهری، ۱۳۷۵: ۵ / ۶۲۶

### چهار. ممنوعیت غیبت

غیبت عبارت است از: نقل عیوب و مطالب پوشیده و پنهان افراد که از نقل آن ناراحت و رنجیده خاطر می‌گردند (انصاری، ۱۴۲۷: ۱ / ۳۲۳). آیه ۱۲ از سوره حجرات و روایات متعددی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۲۵۸)، بر ممنوعیت غیبت تأکید شده است.

البته این ممنوعیت، مطلق نیست و در برخی موارد استثنا شده است از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

غیبت برهم‌زننده امنیت جامعه، (منتظری، ۱۳۷۱: ۴ / ۳۰۰) متظاهر به فسق، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۲۵۳) حکمران ستمگر، (همان: ۲۳۳) اهل شک و بدعت، (انصاری، ۱۴۲۷: ۱ / ۴۵۰) در مقام مشورت، (همان: ۳۴۸) به قصد دادخواهی، (همان: ۳۴۰) بی‌اثر ساختن شهادت شهود، (همان: ۴۴) لازم به ذکر است موارد فوق، غالباً از باب تراحم بوده و به دلیل مهم‌تر بودن مصلحت غیبت کردن

در آن موارد است. معنی این سخن، آن است که فقها در این موارد به ادله خاصه‌ای که ادله حرمت غیبت را تخصیص یا تقييد زده باشد، نرسیده‌اند؛ بلکه بر مبنای اطلاق ادله حرمت و با توجه به ملاک آن، در مواردی که به مصلحت بالاتری توجه نموده‌اند، به جواز غیبت فتوا داده‌اند:

حرمت غیبت از جهت آن است که با غیبت، به شخصیت مؤمن، آسیب می‌رسد و این کار موجب ناراحتی وی می‌گردد، از این رو اگر به لحاظ ملاک‌های عقلی یا شرعی، مصلحت بالاتر و مهمتری در مقایسه با احترام مؤمن وجود داشته باشد، حکم تابع مصلحت اقوی است؛ چنانچه این قاعده درباره هر حق‌الله و حق الناسی جاری است. (همان: ۳۴۲)

### پنج. ممنوعیت افشای اسرار دیگران و خود

افشای اسرار دیگران بدون رضایت آنها، حتی اگر گناه نباشد ممنوع است؛ اهمیت این موضوع در حمایت آموزه‌های اسلامی از حریم خصوصی اشخاص بسیار مورد توجه است. در سایر موارد نظیر ممنوعیت غیبت یا افشای گناه، ممکن است حکم ممنوعیت به دلیل عنوان هتک یا اشاعه فحشاء باشد، اما حکم ممنوعیت افشای اسرار دیگران، صرفاً به جهت عدم رضایت او به افشای اسرارش است.

در روایتی از امام علی علیه السلام بیان شده است که: «به کسی که به تو اعتماد کند، خیانت مکن، اگر چه او به تو خیانت کرده باشد و سر او را فاش مکن». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۲۱۰)

همچنین در آموزه‌های اسلامی اشخاص موظف به حفظ اسرار خویش هستند؛ به عنوان نمونه اگر در جامعه‌ای اظهار عقیده واقعی شخص موجب پیگرد و سختگیری بر اوست، در چنین موردی توصیه اکید به فاش نساختن اعتقادات خویش شده است.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه می‌توان به ماجرای تقیه عمار بن یاسر و مجبور نمودن او از سوی کفار به ناسزاگویی به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نمود.<sup>۲</sup> همچنین تقیه امامان شیعه در موارد متعددی که در تاریخ ثبت شده است، اشاره نمود.

### شش. ممنوعیت اشاعه فحشا

آیات و روایات متعددی<sup>۳</sup> بر حرمت افشای گناهان دیگران اشاره دارند. در برخی روایات نیز بر ضرورت

۱. رک به روایاتی که ذیل آیه ۱۰۶ سوره نحل وارد شده است: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...»

۲. در روایات آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این عمل عمار را تأیید فرمودند. (نجفی خمینی، ۱۳۸۹: ۲ / ۲۵۳)

۳. کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۵۶ و ۳۵۹.



پوشاندن گناه خود نزد دیگران تأکید شده است؛ به عنوان نمونه در حدیثی نقل شده، شخصی در کوفه خدمت امام علی علیه السلام رسید و اقرار بر زنا کرد و از ایشان در خواست اجرای حد نمود. حضرت علی علیه السلام با طرح سؤالات و مطالبی از جمله ضرورت تحقیق در مورد وی، در اجرای آن وقفه انداخت تا آنکه برای چهارمین بار نزد امام علیه السلام آمد و پس از اقرار مجدداً درخواست حد نمود؛ حضرت به خشم آمد و فرمود:

چقدر قبیح است برای فردی از شما که یکی از کارهای زشت را انجام می‌دهد و در پی آن خویش را در برابر مردم رسوا می‌سازد! چرا در خانه‌اش توبه نکرد! به خدا سوگند توبه‌اش در نهان خویش با خدا، بالاتر از این است که بر او حد جاری سازم...<sup>۱</sup>  
(کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۲۰)

### هفت. ممنوعیت خیانت در امانت

در آیات<sup>۲</sup> و روایات متعددی،<sup>۳</sup> بر قبح خیانت در امانت تأکید شده است. بر این اساس تعرض در ودیعه همچون باز کردن پاکت مهور یا جعبه سربسته و یا افشای اطلاعات بیمار یا موکل توسط پزشک یا وکیل، خیانت در امانت محسوب می‌گردد.

### ب) موارد مجاز ورود به حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی

در مواردی، حمایت از حق حریم خصوصی محدود شده که به تناسب مصادیق حریم خصوصی به این موارد اشاره شد؛ در اینجا می‌خواهیم به موارد کلی مجاز به ورود حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی اشاره نماییم.

#### ۱. حق نظارت بر دولتمردان

بر اساس روایات متعددی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام مأمورین ویژه‌ای برای زیر نظر گرفتن و مراقبت از مسئولین بخش‌های مختلف جامعه اسلامی، بکار می‌گرفتند.  
چنانچه امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله سپاهی را برای مأموریت می‌فرستاد و فرماندهی برای آن تعیین

---

۱. «ما اقیح بالرجل منکر ان یاتی بعض هذه الفواحش فیفضح نفسه علی رءوس الملأ افلاتاب فی بیته فوالله اتوبته فیما بینة و بین الله افضل من اقامتی علیه الحد».  
۲. انفال / ۱ و ۳۷؛ معارج / ۳۲؛ آل عمران / ۱۶۱.  
۳. مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۷۳؛ نوری، ۱۳۹۸: ۲ / ۵۰۶.

و نصب می‌نمود، برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را نیز مخفیانه بر او می‌گماشت که در رفتارش تجسس کرده و برای پیامبر گزارش کنند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۴۴)

همچنین حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر هنگام انتصاب وی به‌عنوان استاندار مصر می‌فرماید:

... بر رفتار و کردار آنان مراقبت کن و مراقبین و گزارش‌گرانی مخفی از افراد راستگو، با وفا و متعهد بر آنان بگمار... (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

براساس این روایات، حریم خصوصی اشخاص عادی با مسئولین حکومتی، متفاوت است و مسئولین باید در رفتارهای مرتبط با حکومت، تحت نظارت دقیق قرار گیرند.

## ۲. مسائل امنیتی کشور

روایات متعددی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰ / ۱۴۰ - ۱۲۰) مبنی بر تجسس از وضعیت دشمنان اسلام و رصد امکانات و تحرکات آنها از معصومین علیهم السلام رسیده است. به اعتقاد فقها، حکومت اسلامی ناگزیر است که به این مسئله مهم پردازد و از این طریق نظام اسلامی را تقویت نماید، روشن است که تجسس و رصد کردن وضعیت دشمن به‌نوعی موجب نقض حریم خصوصی اشخاص است؛ لذا این روایات به‌عنوان استثنایی بر اصل اولیه حمایت از حریم خصوصی اشخاص می‌تواند در نظر گرفته شود.

همچنین روایات متعددی ورود به حریم خصوصی را به‌منظور کنترل و نظارت بر مخالفین داخلی حکومت مجاز دانسته‌اند؛ برخی از این روایات در ذیل تفسیر آیه «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون / ۱۱) موجود است؛ برخی از فقها معتقدند واژه «حذر» به نحو مطلق ذکر گردیده و مصداق روشن آن کنترل همه تلاش‌ها و تجمعات منافقان است که لازمه آن کنترل، مراقبت و تجسس نسبت به اعمال منافقین و گردآوری اخبار و اطلاعاتشان است. (منتظری، ۱۳۷۱: ۴ / ۳۵۳)

## ۳. آگاهی از وضعیت اجتماع

لازمه اداره حکومت، اطلاع از امور مختلف مردم و کشور است. در فقه اسلامی دو اصطلاح «عریف» و «نقیب» به‌نوعی دلالت بر این معنا دارند. عریف به معنای شخصی است که درباره قومی جستجو نموده و احوالشان را به دست می‌آورد. انتصاب این‌گونه افراد برای اطلاع از امور مردم، از لوازم اداره حکومت است. لازمه انجام وظیفه توسط آنان، نظارت بر امور خصوصی و پاییدن آنان است. (منتظری، ۱۳۷۱: ۴ / ۳۶۴)

#### ۴. امر به معروف و نهی از منکر

هرچند اندیشمندان مسلمان، تجسس از حریم خصوصی و خلوت اشخاص به منظور اطلاع از منکرات احتمالی را غیرمجاز می‌دانند، اما در شمول وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به منکرهای پنهانی دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی وجوب نهی از منکر را به جلوگیری از «منکرهای آشکار» اختصاص می‌دهند. بر این اساس اگر شخصی احیانا از منکر پنهانی آگاه شود، یا در اثر تجسس حرام، اطلاع از آن پیدا کند، نهی از منکر واجب نیست. غزالی از کسانی است که یکی از شرایط امر به معروف را «ظاهر بودن» منکر دانسته است: «الشرط ائالت: ان یکون المنکر ظاهرا للمحتسب بغیر تجسس» (غزالی، بی تا: ۷ / ۳۶) ملا مهدی نراقی نیز از این تعبیر استفاده کرده است: «و من الشرائط ان یتظهر المنکر علی المحتسب من غیر تجسس». (نراقی، بی تا: ۲ / ۳۹)

در مقابل برخی از فقها، با تمسک به اطلاق دلایل نهی از منکر، منکرات مخفی را نیز مشمول دلایل وجوب نهی از منکر می‌دانند و «آشکار بودن» منکر را شرط برای وجوب این عمل، به حساب نمی‌آورند. (نراقی، ۱۴۱۷: ۳۹۵) بر اساس این قول، ادله نهی از منکر، حرمت ورود به حریم خلوت اشخاص را تخصیص می‌زنند.

برخی از نویسندگان در نقد دیدگاه دوم، اطلاق ادله نهی از منکر نسبت به حالات مختلف منکرات را نپذیرفته‌اند، زیرا این ادله در مقام بیان اقسام مختلف منکر (منکرهای آشکار و پنهانی) نبوده‌اند. وی سپس اظهار داشته که حتی اگر ادله امر به معروف و نهی از منکر، از اطلاق برخوردار باشند، باید آنها را از منکرهای پنهان منصرف دانسته و به ناهنجاری‌هایی که در سطح جامعه به شکل علنی انجام می‌گیرد، اختصاص داد. (سروش، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

به نظر می‌رسد ادله امر به معروف و نهی از منکر، مطلق بوده و می‌توان در مورد منکرهای پنهانی نیز، از این ادله استفاده نمود؛ چیزی که هست چنین معنی، هرچند ورود به حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود، اما اولاً، ورود اخلاقی و از باب تکلیف است نه جرم‌انگارانه و کیفری؛ ثانیاً، در حیطة مصلحتِ شخص می‌باشد و چنانچه در مباحث آتی گفته خواهد شد براساس آموزه‌های اسلامی، در تزامن میان ارزش‌ها، معیار مقدم دانستن یک ارزش بر دیگری، بسته به میزان مصلحتی است که آن ارزش دارد.

#### ۵. تربیت فرزندان و اصلاح امور آنان

فقهای مسلمان بر اساس آیه: «فَوَا انْفُسَكُمُ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم / ۶) همچنین روایاتی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۶۸) که در ذیل این آیه مطرح می‌شود و نیز دیگر ادله امر به معروف، یکی از وظایف

والدین را مراقبت از فرزندان به‌منظور تشویق به کارهای شایسته و دوری از کارهای ناپسند می‌دانند، بر این اساس اولیای فرزندان مجازند در حد معقول، رفتار کودک خود را زیر نظر داشته و در موارد نیاز، به حریم خصوصی او وارد شوند. به نظر می‌رسد این مورد نیز از استثنایات عام ممنوعیت ورود به حریم خصوصی افراد است؛ چنانچه در مبحث استثنایات غیبت از برخی فقها نقل کردیم که در صورت وجود مصلحت اقوی، حکم حرمت برداشته می‌شود.

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که میزان دخالت فرد در امر به معروف و نهی از منکر فرزندان تا کجاست؟ آیا صرفاً امر و نهی زبانی مقصود است یا شامل اقدام عملی نیز می‌گردد؟ روایات متعددی که در ذیل آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» وارد شده است، مقصود از حفظ خانواده از آسیب‌های اخلاقی و معنوی، را به اقداماتی در حد امر به معروف و نهی از منکر زبانی تفسیر نموده‌اند و وظیفه‌ای بیش از آن را متوجه فرد ندانسته‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۴۸ و ۱۶۸) برخی از فقها نیز بر این مطلب تأکید نموده‌اند. (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۶۰)

### ج) ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی

در اینجا به ارائه و تحلیل مدل اسلامی می‌پردازیم:

#### ۱. مراحل استنباط الگوی اخلاقی اسلام

از بررسی مستندات حمایت از حریم خصوصی به‌عنوان یک ارزش اخلاقی در منابع دینی، می‌توان آموزه‌های ذیل که در ستون سمت راست جدول شماره ۱، لیست شده‌اند را گزارش نمود، در ستون سمت چپ جدول نیز این آموزه‌ها به‌صورت کدگذاری شده نشان داده شده‌اند:

مفهوم کدگذاری شده	آموزه اخلاقی اسلام (داده)	۱
قائده تسلط بر مال	اشخاص بر اموال خود مسلطند	۲
قائده تسلط بر شوون زندگی	اشخاص بر انفس خود مسلطند	۳
منع ورد به حریم منزل	ورد به منزل و حریم خلوت افراد بدون اجازه، مجاز نیست	۴
منع شکنجه و حبس	حبس و شکنجه افراد مجاز نیست	۵
منع نگاه به بانوان	مردان باید از نگاه به موارد غیرمجاز بدن بانوان مسلمان خودداری کنند	۶
رضایت زوجه بر تمکین	به هنگام عمل زناشویی، رضایت آمادگی و رضایت زوجه شرط اخلاقی است	۷

۸	تحمیل و وادار کردن اشخاص به پذیرش عقاید ممنوع است	منع تحمیل عقاید
۹	تجسس و پی گیری عیوب دیگران حرام است	منع تجسس
۱۰	سوءظن نسبت به دیگران حرام است	منع سوءظن
۱۱	غیبت و بدگویی پشت سر دیگران ممنوع است	منع غیبت
۱۲	اشاعه گناهان خود یا دیگران حرام است	منع اشاعه فحشا
۱۳	افشای اسرار دیگران ممنوع است	منع افشای اسرار
۱۴	خیانت در امانت ممنوع است	منع خیانت در امانت

جدول شماره ۱: مفاهیم به دست آمده از مستندات حریم خصوصی

در مرحله بعد مفاهیم به دست آمده از آموزه های اخلاقی اسلام را، با هم مقایسه و دسته بندی می کنیم تا هر کدام از این مفاهیم در ذیل عناوین کلی تری قرار داده شوند، این کار موجب می شود زمینه های مشترک بیشتری میان این مفاهیم با دیگر مفاهیم، که از موارد مجاز ورود به دست خواهد آمد، کشف شوند.

شناسه	مفاهیم حمایت از حریم خصوصی	مؤلفه ها
۱ + ... + ۱۳	تسلط بر اموال + ... + منع خیانت در امانت	منع ارزشی با انگیزه درونی
۲+۱	قاعده تسلط بر اموال + قاعده تسلط بر شئون	اصل بودن پاسداشت حریم خصوصی
۱۲+۱۱	منع اشاعه فحشاء + منع افشای اسرار	الزام به رعایت حریم خصوصی خود

جدول شماره ۲: مؤلفه های حمایت از حریم خصوصی

بعد از به دست آمدن مؤلفه های محوری در پاسداشت از حریم خصوصی، اینک نوبت آن است که مؤلفه های محوری الگوی اخلاقی اسلامی را در ورود مجاز به حریم خصوصی استکشاف نماییم. بدین منظور ابتدا موارد مجاز ورود به حریم خصوصی که در آموزه های اخلاقی اسلام بیان شده اند را در جدول شماره ۳ مشاهده می کنیم:

۱	موارد مجاز ورود به حریم خصوصی در آموزه های اسلامی	مفهوم کدگذاری شده
۲	به هنگام تردید در عقاید همسر، می توان تحقیق و تجسس به عمل آورد	تجسس از عقاید همسر
۳	کسی که امنیت جامعه را بر هم می زند، غیبت او مجاز است	غیبت برهم زننده امنیت
۴	کسی که فسق خود را آشکار می کند، غیبت او مجاز است	غیبت آشکار کننده فسق
۵	غیبت حکمران ستمگر، مجاز است	غیبت حاکم ستمگر
۶	غیبت اهل شک و بدعت مجاز است	غیبت اهل بدعت

غیبت در مقام مشورت	غیبت در مقام مشورت، مجاز است	۷
غیبت به قصد دادخواهی	غیبت به قصد دادخواهی مجاز است	۸
غیبت شهود دروغین	غیبت به منظور بی‌اثر ساختن شهادت شهود دروغین، مجاز است	۹
تجسس از حریم مسئولین	تجسس از حریم خصوصی مسئولین در صورت ارتباط با مسئولیت، مجاز است	۱۰
سوءظن و تجسس از حریم دشمنان	سوءظن، تجسس و اقدام عملی درباره حریم خصوصی دشمنان و مخالفان نظام اسلامی، مجاز است	
تجسس از وضعیت جامعه	تجسس از حریم خصوصی افراد، به منظور آگاهی از وضعیت اجتماع، مجاز است	۱۱
نهی از منکر پنهانی با رعایت شرایط	نهی از منکر در صورت اطلاع از منکر پنهانی، با رعایت شرایط لازم است	۱۲
تجسس به منظور تربیت فرزندان	تجسس و ورود به حریم خصوصی فرزندان به منظور تربیت، مجاز است	۱۳
مجازات جرم پنهانی	در صورتی که گناه انجام گرفته در حریم خصوصی اثبات گردد، دارای حد یا تعزیر می‌باشد	۱۴

جدول شماره ۳: مفاهیم به‌دست آمده از موارد مجاز ورود به حریم خصوصی

در مرحله بعد عناوین به‌دست آمده از موارد مجاز ورود به حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی را با هم مقایسه و دسته‌بندی می‌کنیم تا هر کدام از این مفاهیم تحت عناوین کلی‌تری قرار داده شوند، این کار موجب می‌شود زمینه‌های مشترک بیشتری میان این مفاهیم با مفاهیم دیگری که از مصادیق حمایت از حریم خصوصی به‌دست آوردیم، کشف شوند:

مؤلفه‌ها	مفاهیم مجاز به ورود	شناسه
بیان صریح و شفاف موارد مجاز	تجسس از عقاید همسر + ... + تجسس به‌منظور تربیت فرزندان	۵+۴+۳+۲+۱ ۱۰+۹+۸+۷+۶ ۱۳+۱۲+۱۱
تأکید بر عنصر مصلحت	تجسس از عقاید همسر + غیبت برهم‌زننده امنیت + غیبت در مقام مشورت + سوءظن و تجسس از حریم دشمنان + تجسس از وضعیت جامعه + تجسس به‌منظور تربیت فرزندان	۱۳+۱۱+۱۰+۶+۲+۱

حمایت از ارزش‌ها در حریم خصوصی	غیبت برهم‌زننده امنیت + غیبت آشکارکننده فسق + غیبت حاکم ستمگر + غیبت اهل بدعت + غیبت به قصد دادخواهی + غیبت شهود دروغین + نهی از منکر پنهانی	۱۲+۸+۷+۵+۴+۳+۲
الزام قانونی اخلاق	نهی از منکر پنهانی با رعایت شرایط + مجازات جرم پنهانی	۱۴+۱۲

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های به‌دست آمده از مفاهیم مجاز ورود به حریم خصوصی

بر این اساس، با کدگذاری و دسته‌بندی مفاهیم به‌دست آمده از مستندات حمایت از حریم خصوصی و نیز موارد مجاز ورود به حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی، مؤلفه‌های مشخص شده در ستون سمت چپ جدول شماره ۲ و جدول شماره ۴، به‌دست آمدند.

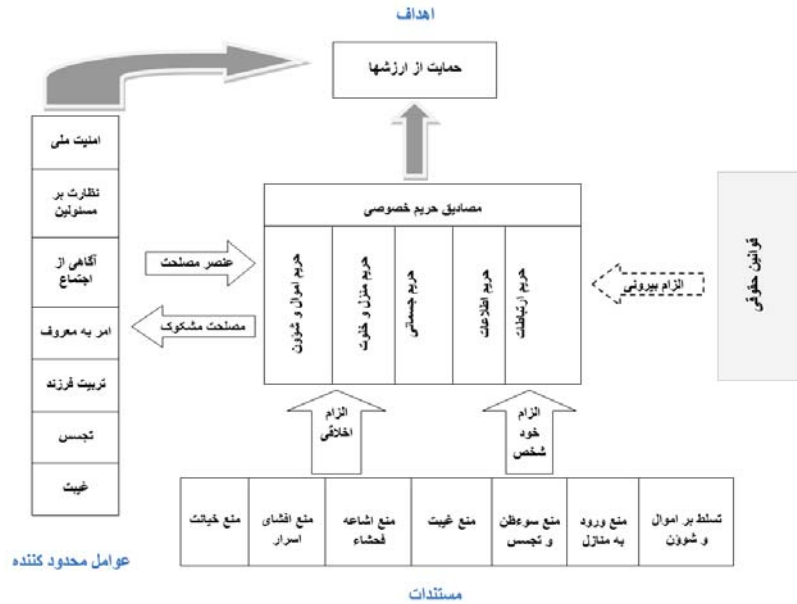
پس از به‌دست آمدن مؤلفه‌های به‌دست آمده، لازم است روابط میان آنها و نقش و جایگاه هر کدام به‌صورت یک مجموعه منسجم و به‌هم پیوسته مشخص گردد؛ ما در اینجا پس از مقایسه و بررسی دقیق، مدل مفهومی میان هفت مؤلفه و مفاهیم به‌دست آمده از آموزه‌های اسلامی درباره حریم خصوصی و موارد مجاز ورود به آن را استخراج نمودیم که در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است.

در این مدل، مفاهیم حاصل شده از مستندات حمایت از حریم خصوصی در ستون پایین نمودار، نشان داده شده‌اند. مقایسه این مستندات با مصادیق حریم خصوصی، نشان از دو نسبت میان این دو است که با فلش نشان داده شده‌اند. نسبت اول، الزام اخلاقی نه قانونی، به پاسداشت حریم خصوصی به‌عنوان یک ارزش است و نسبت دوم، الزام خود شخص به خصوصی نگه داشتن حریم خصوصی خویش می‌باشد؛ این هر دو نسبت وجه تمایز و ویژگی الگوی اخلاقی اسلام با الگوی حقوقی آن است.

همچنین مفاهیم به‌دست آمده از عوامل مجاز محدودکننده حریم خصوصی، در ستون سمت چپ نمودار مشخص شده‌اند؛ هر کدام از این عوامل در صورتی که واجد معیار و شاخص مصلحت باشند، می‌توانند یکی از مصادیق حریم خصوصی را محدود کنند به شرط اینکه مصلحت احراز شده قطعی باشد؛ در صورت تردید در وجود مصلحت ورود، نمی‌توان اقدام به نقض مصادیق حریم خصوصی نمود؛ زیرا اصل اولیه در الگوی اخلاقی اسلام، عدم نقض است. بنابراین در نمودار، جهت فلش مصلحت مشکوک را به خود عوامل محدودکننده نشان داده‌ایم، بدین معنا که با مصلحت مشکوک نمی‌توان مصادیق حریم خصوصی را نقض نمود.

همچنین نسبت میان الگوی اخلاقی با قوانین حقوقی اسلام را در سمت راست نمودار، به‌صورت یک

الزام بیرونی از جانب قوانین حقوقی نسبت به مصادیق حریم خصوصی، به صورت نقطه چین نشان داده‌ایم که حاکی از محدود و موردی بودن این الزام به منظور صیانت از نظام ارزشی جامعه، است. ویژگی دیگر الگوی اخلاقی اسلامی نیز، چنان که در نمودار نشان داده شده است، این است که جهت‌گیری کل این الگو به سمت حمایت از ارزش‌های اسلامی است، خصوصیت بارز الگوی اخلاقی اسلامی این است که بر خلاف الگوهای لیبرال، حمایت از حریم خصوصی به عنوان یک ارزش الهی مورد پذیرش قرار گرفته است و همچنین موارد مجاز ورود به آن، جهت‌گیری کاملاً ارزشی و الهی دارد:



نمودار شماره ۱: مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی

## ۲. تحلیل مؤلفه‌های الگوی اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی

هر یک از مؤلفه‌های الگوی اخلاقی ورود به حریم خصوصی در ادامه بررسی و تحلیل می‌شود:

### ۱. پاسداشت حق حریم خصوصی و خلوت افراد، به عنوان یک ارزش

نکته مهم در آموزه‌های اسلامی نسبت به پاسداشت حق خلوت و حریم خصوصی این است که این حق به عنوان یک حق طبیعی برای افراد، (نه صرفاً حق قانونی) مورد حمایت آموزه‌های اسلامی قرار گرفته است؛ بنابراین حمایت و پاسداشت از آن پیش از آنکه یک حق قانونی باشد، یک ارزش دینی و اخلاقی قلمداد شده است و افراد موظف‌اند به عنوان تکلیف دینی و اخلاقی و با انگیزه درونی از ورود به حریم



خصوصی افراد دیگر خودداری نمایند. چنین نگاهی به حمایت از حق حریم خصوصی، گذشته از آنکه از ضمانت اجرای بیشتر و بهتری نسبت به ضمانت اجرای بیرونی (قانونی) برخوردار است، موجب می‌شود اشخاص نگاه اباحی‌گرانه نسبت به دیگر ارزش‌های اخلاقی و دینی در حوزه خلوت و خصوصی خود نداشته باشند.

#### دو. برشمردن موارد مجاز ورود به حریم خصوصی به صورت شفاف و محدود

موارد مجاز ورود به حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی، به صورت موردی و به جهت وجود مصلحت مهم‌تر، تجویز شده‌اند. چنانکه گذشت، فقها در مستثنیات غیبت، مواردی را به صورت موردی از حکم کلی غیبت استثناء نموده‌اند و این موارد در منابع روایی و کتب فقهی به تفصیل و به گونه شفاف تبیین شده است. همچنین در مستثنیات عدم جواز تجسس، مواردی همچون امنیت ملی و حفظ جان و مانند آن که دارای مصلحت مهم‌تری هستند، مستثنی شده است. در مستثنیات عام حریم خصوصی نیز مواردی همچون حفظ نظام جامعه، نظارت بر دولتمردان، مسائل امنیتی، آگاهی از وضعیت اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر، تربیت فرزندان و ... از جمله مستثنیات ذکر شده‌اند. بنابراین یکی از ویژگی‌های الگوی اخلاقی اسلام این است که موارد مجاز ورود به حریم خصوصی به شکل دقیق و شفاف بیان شده است و این ویژگی از ابهام و به هم آمیختگی این مصادیق و در نتیجه سردرگمی اشخاص در عمل به وظیفه اخلاقی و شرعی خویش مانع می‌گردد.

#### سه. تأکید بر پاسداشت حریم خصوصی به عنوان اصل اولیه و استثناء بودن موارد نقض

با توجه به مستندات حق حریم خصوصی در آموزه‌های اسلامی، مقتضای اصل اولیه در موارد مشکوک ورود به حریم خصوصی، مجاز نبودن نقض است؛ زیرا اولاً، چنانچه گذشت،<sup>۱</sup> هرگونه دخالت در شئون دیگران نیازمند آن است که شخص از حق سلطه و اختیاری نسبت به دیگری برخوردار باشد، و تا وقتی که دلیلی برای این حق ارائه نشود، چنین سلطه‌ای مردود است. موارد مجازی مانند «ضرورت حفظ امنیت جامعه»، استثناهایی هستند که به توجیه عقلی یا شرعی نیاز دارند. صاحب جواهر در این باره چنین می‌نویسد:

هر کس که به گونه‌ای می‌خواهد حقوق دیگران را محدود کند و یا درباره ایشان به اقدامی دست بزند، نیازمند احراز رضایت آنان و یا اذن شارع است، برای مثال کسی می‌تواند در محیط خانواده به تنبیه بدنی اقدام کند که از این اذن برخوردار باشد.

(نجفی، ۱۴۱۲: ۴۱ / ۶۶۹)

۱. مانند قاعده: «الناس مسلطون علی انفسهم» که پیشتر گذشت.

ثانیاً، علمای علم اصول معتقدند احکام دارای ملاکات متفاوتی هستند، برخی دارای چنان ملاکاتی‌اند که شارع هرگز به فوت آنها رضایت نمی‌دهد و برخی دیگر دارای این درجه از اهمیت نیستند، در قسم اول حتی اگر دچار تردید باشیم، باید احتیاط کنیم درحالی‌که در قسم دوم احتیاط لازم نیست. فقها برای قسم اول به جان و عرض مثال می‌زنند و معتقدند از هر کاری که احتمالاً تعرض به جان یا آبروی دیگری باشد، باید خودداری نمود. (خویی، ۱۳۶۸: ۲ / ۱۲۵) توجه به این اصل موجب آن شده که در فقه اسلامی نسبت به غیبت شخصی که مصداق مشکوک متجاهر به فسق است، حکم به جواز غیبت ندهند و متعرض آبروی وی نشوند. (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۲۲)

#### د) تأکید بر عنصر مصلحت در موارد مجاز ورود به حریم خصوصی

براساس مبانی اسلامی احکام تابع مصالح و مفاسد هستند؛ وجود مصلحت در مصادیق حریم خصوصی موجب شده شارع نقض آن را مجاز نداند. در برخی موارد بنابر مصلحت‌های مهم‌تر فردی یا اجتماعی، ورود به حریم خصوصی اشخاص مجاز اعلام شده است. اکنون پرسش این است، معیار ترجیح مصلحت ورود به حریم خصوصی بر مصلحت پاسداشت چیست؟ پاسخ معروفی که بر این پرسش داده می‌شود این است که چنین مواردی از مصادیق باب تراحم است و حکمی که اهمیت بیشتری دارد، مقدم و دارای فعلیت می‌باشد.<sup>۱</sup>

هرچند عقلاً در انتخاب مهم‌تر از میان مهم و مهم‌تر، تردیدی به خود راه نمی‌دهند؛ اما چگونه می‌توان مطمئن بود که اهمیت و مصلحت یک طرف، بر طرف دیگر انتخاب ما، فزونی دارد؟ غالباً در تمایز اهم و مهم موفق نیستیم، زیرا در موارد فراوانی، تشخیص اولویت دو طرف تعارض آسان نیست. چه بسا آنچه کم خطرتر پنداشته می‌شد، در بلند مدت پر خطرتر باشد. برای برون‌رفت از این مشکل، رهیافت ذیل در مواجهه با تراحم مصلحت‌ها توصیه می‌شود:<sup>۲</sup>

۱. تحلیل دو طرف تراحم از حیث میزان مصلحت، آثار و نتایج، ابعاد و مصادیق و گزینه‌های بدیل و چرایی و چگونگی هر یک از آنها؛
۲. تبدیل کردن دو طرف تراحم به دو گزاره سالب کلی و موجب کلی و جستجو از راه‌هایی که بین این دو گزاره قرار دارد. فهرست کردن گزینه‌ها و راه‌های دیگر را می‌توان از طریق توجه به متون دینی و مطالب مطرح در دیگر نظام‌های اخلاقی انجام داد؛

۱. برای اطلاع تفصیلی از قواعد باب تراحم، مراجعه شود به: مظفر، اصول فقه، ص ۴۲۲.  
 ۲. این رهیافت را از کتاب اخلاق حرفه‌ای استاد احد فرامرز فراملکی استفاده نمودیم.

۳. سنجش راه‌ها، حذف گزینه‌های غیر اخلاقی، اولویت‌بندی راه‌های مطلوب؛

۴. ممیزی اخلاقی راه‌های مطلوب و اعتبارسنجی آنها در ترازوی اصول و مسئولیت‌های اخلاقی؛

۵. گزینش مطلوب‌ترین راه بر حسب اصول اخلاق اسلامی.

به‌عنوان نمونه پنج مرحله پیش‌گفته را به‌وسیله مطالعه موردی در تزامم میان حمایت از حریم منزل و ورود به آن برای بررسی جرم احتمالی، تمرین می‌کنیم.

براساس آموزه‌های اسلامی حریم منزل افراد محترم است و نباید نقض شود. تصور کنید شخصی مظنون به انجام جرم است و احتمال دارد با تجسس منزل وی آلات جرم یافت شود؛ بنابراین در این مورد مصلحت حفظ حرمت حریم منزل با مصلحت ورود به منزل وی برای یافتن آلت جرم تزامم می‌نماید. هرکدام از طرفین تزامم، دارای آثار و نتایجی است. اگر حرمت منزل وی نقض شود، امنیت روانی او و خانواده‌اش به مخاطره می‌افتد. گذشته از اینکه احساس آزادی و استقلال وی در درون حریم خصوصیش نیز نقض می‌گردد که این هر دو، با حرمت و کرامت انسانی او منافات دارد. از سوی دیگر اگر مجاز به بازرسی منزل او نباشیم در صورتی که مجرم باشد، جری‌تر شده و محل امنی را برای پنهان ساختن ابزارهای جرم در منزل خود احساس می‌کند، گذشته از اینکه در صورت یافت نشدن آلت جرم، حق شاکی او تضییع می‌گردد.

بنابراین ما با دوراهاه زیر مواجه هستیم:

۱. حمایت از حریم خصوصی شخص و ورود نکردن به حریم وی؛

۲. ورود به حریم خصوصی وی و تجسس از آلت جرم.

به نظر می‌رسد در کنار این دو گزاره سالب و موجب کلی، راه‌های دیگری نیز وجود دارد که میانه هستند و مصلحت کمتری را از دست می‌دهند:

۳. ورود به حریم خصوصی وی در صورتی که ظن قوی به وجود آلت جرم داشته باشیم؛

۴. ورود به حریم خصوصی وی در صورت ظن قوی و با دستور حاکم اسلامی؛

۵. ورود به حریم خصوصی، در صورت ظن قوی، با دستور حاکم، صرفاً برای جستجو از آلت جرم

مذبور به‌گونه‌ای که اگر به آلت جرم دیگر دست یافته شود، نادیده گرفته شود؛

۶. ورود به حریم خصوصی، در صورت ظن قوی، با دستور حاکم، صرفاً برای بررسی جرم مربوطه با

موانست اهل خانه؛

چنانچه مشاهده می‌شود میان دو گزاره سالب و موجب کلی، راه‌های بدیل دیگر نیز وجود دارد که در صورت پیش گرفتن آنها، مصلحت فوت شده از طرف دیگر به حداقل می‌رسد و در این

انتخاب ما با اطمینان بیشتری می‌توانیم مجوز ورود و ترکِ مصلحتِ حمایت از حریم خصوصی را صادر کنیم.

**ه) بی‌طرف‌نبودن و حمایت از ارزش‌های اسلامی در حوزه خصوصی با تأکید بر انگیزه درونی**  
چنانچه می‌دانیم در تفکر لیبرالیستی تا اندازه‌ای بر حق آزادی اشخاص تأکید می‌شود. برخی از متفکران لیبرال معتقدند دولت باید نسبت به ارزش‌ها بی‌طرف باشد و ارزش خاصی را حتی توصیه یا ترویج نیز نکند. (برلین، ۱۳۷۴: ۶۴) در آموزه‌های اسلامی اما تفاوتی میان حوزه خصوصی یا عمومی در اجرای ارزش‌های دینی گذاشته نشده است و افراد در حریم خصوصی خود نیز موظف به اجرای ارزش‌های دینی شده‌اند، چیزی که هست، پشوانه و ضمانت اجرای این ارزش‌ها در حوزه خصوصی، ایمان و رسیدن به پاداش الهی قرار داده شده است و تا حد امکان از اهرم قانون و مجازات کیفری در این حوزه اجتناب شده است؛ زیرا چنین الزامی با روح و غایت تکلیف منافات دارد. هر چند در حوزه عمومی بنا به ضرورت، از اهرم قانون و مجازات کیفری برای بر هم نخوردن نظم اجتماع استفاده شده است.

بنابراین می‌توان گفت هرچند حق حریم خصوصی و خلوت به‌عنوان یک ارزش از سوی اسلام مورد پذیرش واقع شده است، اما این حق، یگانه ارزش و ارزش‌غایی نیست؛ بلکه در کنار آن ارزش‌های دیگری نیز از دیدگاه اسلام وجود دارند که اهمیت آنها کمتر از ارزش آزادی و حفظ حریم خصوصی نیست و چنانچه یکی از این ارزش‌ها با ارزش آزادی و حق حریم خصوصی تزامن نماید، در آموزه‌های اسلامی برای ترجیح میان آنها از عنصر مهمی به‌نام مصلحت سخن به میان آمده که تفصیل آن گذشت.

#### **و) اعلام حمایت از نظام ارزشی، با الزام قانونی حداقلی در حوزه خصوصی**

چنانچه می‌دانیم حدود اسلامی در مجازات برخی از جرم‌ها اختصاص به حوزه عمومی ندارد و در صورت اثبات جرمی که در حریم خصوصی شخص انجام گرفته نیز قابل اجراست. همچنین در مبحث امر به معروف و نهی از منکر گذشت که ادله آن اختصاص به منکرات انجام گرفته در حوزه عمومی ندارند و چنانچه وقوع منکری در حوزه خصوصی اثبات شود، مشمول ادله نهی از منکر می‌باشد؛ بر این اساس دین اسلام به لحاظ قانون‌گذاری به حریم خصوصی اشخاص نیز ورود کرده است هرچند شیوه سخت‌گیرانه‌ای برای اثبات وقوع جرم‌هایی که در حوزه خصوصی انجام می‌گیرد، اتخاذ شده است<sup>۱</sup>

۱. به‌عنوان نمونه اثبات جرم زنا یا لواط به اقامه چهار شاهد عادل که خود به‌طور مستقیم صحنه جرم را مشاهده نموده‌اند، منوط شده است. همچنین در مستندات نهی از منکر، نهی‌کننده به‌شدت از تجسس به‌منظور کشف جرم نهی شده است.

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که اگر در آموزه‌های اسلامی، حق آزادی و خلوت به‌عنوان یک ارزش مورد قبول واقع شده، پس چگونه این حق با الزامات قانونی دیگر نقض می‌گردد؟ پاسخ این است که قانون‌گذار می‌تواند برای بیان اهمیت پاره‌ای از ارزش‌ها که در نظر جامعه نیز ارجمندند، آنها را جرم‌انگاری کند؛ حتی اگر آنها به قلمرو خصوصی مربوط باشند. در واقع نهاد قانون‌گذاری به نمایندگی از جامعه، ارزش‌های مورد حمایت خود را اعلام می‌کند. این اعلام به طور طبیعی این حس را در شهروندان ایجاد می‌کند که آنها نامطلوبند؛ همین امر احتمالاً انگیزه احترام به ارزش‌های یاد شده را در شهروندان ایجاد می‌کند. دولت ممکن است در این باره حتی برخوردی کاملاً متفاوت با جرایمی که آشکارا علیه عموم مردم و جامعه است داشته باشد. به این معنا که در جرم‌انگاری، کشف، تعقیب و رسیدگی به جرایم یاد شده، سرسختی به خرج ندهد؛ چنانچه سیاست کیفری اسلام همین‌گونه است، اما به هر حال ارزش مورد حمایت جامعه را اعلام کرده است. هر چند تأکید عمده اسلام بر اجرای این ارزش‌ها، از طریق تهییج و ترغیب انگیزه‌های درونی است. (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

### ز) الزام به خصوصی نگه داشتن خلوت و حریم خصوصی از جانب خود فرد

براساس آموزه‌های اسلامی که مستندات آن پیشتر گذشت، اشخاص اخلاقاً و شرعاً ملزم به خصوصی نگه داشتن حریم خلوت خویش هستند، خصوصاً مواردی که به لحاظ شرعی گناه محسوب می‌گردد. همچنین فقهای مسلمان، حراست اشخاص از شخصیت خویش را یک تکلیف می‌دانند و آنان را از کارهایی که به این منزلت و کرامت آسیب می‌زند، منع نموده‌اند. (نجفی، ۱۴۱۲: ۲۹ / ۵۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۹۳)

این تأکید در آموزه‌های اسلامی بدین خاطر است که اگر حق خلوت، ارزشی اجتماعی باشد، همگان باید از آن پاسداری کنند. چنان که هرگاه حیات را ارزشی اجتماعی و نه صرفاً حقی قابل اسقاط و اعراض بدانیم، متعهدیم تا هم از حیات خود و هم از حیات دیگران پاسداری کنیم. اینکه انسان درباره خود و شؤون خود متعهد باشد، هم به لحاظ منطقی قابل تصور است و هم درست است. البته حکم مواردی که نقض حریم خصوصی فرد توسط خود وی با امور نامطلوب دیگری مانند نقض اخلاق یا عفت عمومی همراه باشد را جداگانه باید بررسی نمود. سخن اکنون بر سر موردی است که نقض حریم خصوصی مستلزم هیچ مفسده جانبی دیگری نباشد.

### نتیجه

در این پژوهش، مستندات حمایت از حق حریم خصوصی و نیز موارد مجاز ورود به آن در آموزه‌های

اسلامی را گزارش و بررسی نمودیم؛ با کدگذاری مفاهیم به دست آمده از مستندات حمایت از حریم خصوصی و نیز موارد مجاز ورود به آن، هفت مؤلفه مفهومی استنباط شد؛ مقایسه و بررسی نسبت میان این مؤلفه‌ها منجر به طراحی مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی گردید؛ در این مدل حق حریم خصوصی به‌عنوان یک ارزش مورد حمایت قرار گرفته و اصل اولی، عدم نقض آن است؛ مواردی که مصلحت‌های فردی یا اجتماعی، اقتضاء ورود به حریم خصوصی را دارند، به‌صورت موردی و شفاف معین شده‌اند و معیار این ورود، مصلحت معرفی شده است؛ همچنین حق خلوت به‌عنوان تنها ارزش قلمداد نشده، بلکه در کنار آن بر همزیستی آن با دیگر ارزش‌ها تأکید شده است. از ویژگی‌های دیگر این مدل، الزام به خصوصی نگه داشتن حق خلوت توسط خود فرد می‌باشد؛ همچنین در این مدل، الزام حداقلی و محدود از ناحیه قوانین حقوقی به منظور صیانت از نظام ارزشی مورد تأکید در این مدل به رسمیت شناخته شده است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، مرتضی، ۱۴۲۷ ق، المکاسب، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۳. انصاری، باقر، ۱۳۹۱، حقوق حریم خصوصی، ج ۲، تهران، سمت.
۴. برلین، آیزایا، ۱۳۷۴، دو مفهوم از آزادی، در لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران، علمی و فرهنگی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت.
۶. حکیم، سید محسن، ۱۴۱۶ ق، مستمسک العروه الوثقی، ج ۲، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۶۸، اجود التقریرات، قم، مصطفوی.
۸. ری شهری، محمد، ۱۳۷۵، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
۹. سروش محمد، ۱۳۹۳، مبانی حریم خصوصی، تهران، سمت.
۱۰. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۴۱۹ ق، کتاب النکاح، قم، مؤسسه رأی پرداز.
۱۱. شیرازی، میرزا محمد تقی، بی تا، حاشیه المکاسب، قم، الشریف الرضی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۹، مجمع البیان، ج ۷، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۴. طوسی، ابو جعفر محمد، بی تا، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی.

۱۵. غزالی، امام محمد، بی تا، احیاء علوم الدین، بیروت، دار المعرفة.
۱۶. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۳، اخلاق حرفه‌ای، قم، مجنون.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، اسلامیه.
۱۸. محسنی، فرید، ۱۳۸۹، حریم خصوصی اطلاعات، تهران، دانشگاه امام صادق.
۱۹. منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۱، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، تفکر.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مرتضوی لنگرودی، سعید، ۱۴۱۲ ق، الدر النضید، قم، مؤسسه انصاریان.
۲۲. مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۲، اصول فقه، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۳. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۱۵ ق، المکاسب المحرمه، قم، ج ۱ و ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۲۴. موسوی خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، بی تا، مبانی العروه الوثقی، قم، دارالعلم.
۲۶. نجفی، محمدحسن، ۱۴۱۲ ق، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. نجفی خمینی، محمد جواد، ۱۳۸۹، تفسیر آسان، قم، اسلامیه.
۲۸. نراقی، محمد مهدی، بی تا، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان.
۲۹. نراقی، ملا احمد، ۱۴۱۷ ق، معراج السعاده، تهران، رشیدی.
۳۰. نوبهار، رحیم، ۱۳۸۷، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران، نشر جنگل.
۳۱. نوری، حسین، ۱۳۹۸ ق، مستدرک الوسائل، ج ۲، قم، احیاء التراث.
۳۲. همدانی، حاج آقا رضا، ۱۴۲۰ ق، حاشیه‌المکاسب، قم، انصاری.

